

بحران و جنگ در اکراین

کارگران علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

مردم اکراین قربانی تشدید رقابتهای امپریالیستی و

موضع طبقه کارگر

صفحه ۴

جمال کمانگر



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۶ اسفند ۱۴۰۰ - ۲۵ فوریه ۲۰۲۲

در باره اوضاع سیاسی عراق

صفحه ۷

گفتگو با عبدالله دارابی

آزادی زن در گرو یک آلترناتیو سوسیالیستی است!

چرا انقلاب آتی ایران، انقلابی زنانه خواهد بود؟

صفحه ۹

پروین کابلی

جنگ سایبری در روند سرنگونی جمهوری اسلامی

کاریکاتور آلترناتیو تراشی مجاهدینی

صفحه ۱۰

نادر شریفی

اعلامیه حزب حکمتیست در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!

ستون اخبار مبارزات کارگری

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت

رفیق محمد مزرعه کار

علیه جنگ سرمایه داران

جنگ ادامه سیاست است به طرق دیگر. شعار "جنگ نه"، شعار آرامش، خواست دفاع از وضع موجود است. آنچه در جریان است پرده دیگری از فروپاشی نظام سابق جهان سرمایه داری و سیر شکلگیری آرایش جدید و متناسب با نیروهای واقعی است. این زایمان مانند همیشه تاریخ سرمایه داری با جنگ، توسعه طلبی امپریالیستی، تروریسم، ناسیونالیسم و فاشیسم، آوارگی و مشقت انسانهای بیشمار صورت می گیرد. جنگ سرمایه داران و دولتهای بورژوائی همواره بر علیه منافع کارگران است. پرولتاریا و کمونیسم با نظم کنونی در تضاد و جدالی بیوقفه است. برای کسی که فی الحال درگیر یک جنگ طبقاتی است، شعار صلح موضوعیت ندارد. ما وضع موجود را نمی خواهیم و هر آنچه خود را در تقابل با آن می بینیم. برای ما بحث بر سر کدام جنگ است. ما بر جنگ انقلابی بعنوان تنها راه واقعی تغییر پای میفشاریم. پاسخ کمونیسم به جنگ سرمایه داران، "قوانین بین الملل را رعایت کنید"، لطفاً نچنگید و صلح کنید، نیست. سیاست کمونیستی خواست توقف بیدرنگ جنگ، توضیح ماهیت و اهداف جنگ و نیروهای درگیر، اعلان جنگ طبقه کارگر به کل سرمایه داری برای برپایی نظم نوین سوسیالیستی و برگرداندن سلاح ها به سمت بورژوازی "خودی" در هر کشور است. امروز جهان نیازمند عروج یک صف انترناسیونالیستی طبقه کارگر است که علیه دولتهای میلیتاریست بایستد. کارگران جهان علیه جنگ سرمایه داران بپاخیزید! *

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست در باره؛

بحران و جنگ در اوکراین

کارگران علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

ما جنگ طلبی قدرتها و دولتهای امپریالیستی که هدفی جز شکل دادن و بازتعریف نظم جدید بورژوازی را ندارند، و در این مورد مشخص، جنگ و زورگویی میلیتاریستی دولت روسیه را ارتجاعی و ضد کارگری می دانیم. پوتین و بایدن و مکرون و شولتز و جانسون و زلنسکی، عناصر و نمایندگان منافع بخشهای مختلف یک طبقه واحد جهانی، طبقه بورژوازی اند. منافع کارگران در جنگ و صلح بورژواها نمایندگی نشده و نخواهد شد. ما در این بحران نه در کنار دولتها و سیاستها و اهداف ناسیونالیستی و فاشیستی این یا آنسوی جدال، بلکه کنار کارگران در روسیه و اوکراین و کشورهای منطقه علیه دولتهای سرمایه داری قرار داریم. تحریم اقتصادی آمریکا و غرب نه تنها بازدارنده پوتین در این جنگ نیست، بلکه عمدتاً سلاح کشتار جمعی مردم کارگر و زحمتکش و ابزاری در دست هیئت حاکمه روسیه برای توجیه ادامه حاکمیت استبدادی و سرکوبگرش است و از نظر ما سیاستی ضد انسانی و مردود است.

فراخوان ما به طبقه کارگر در روسیه و اوکراین اینست که نیروی جنگ ارتجاعی دولت پوتین و زلنسکی و موثلفین آنها نشوند. این جنگ کارگران و مردم ستمدیده نیست، جنگ سرمایه داران است. طبقه کارگر در اوکراین و روسیه، نظر به تاریخ طولانی و منافع مشترک، ضروری است که پرچم جنگ علیه بورژوازی "خودی" را برافرازند و تفنگ ها را بسمت هیئت حاکمه و طبقه بورژوازی حاکم بر سرنوشته خود برگردانند و از قدرت ساقطشان کنند.

این جنگ که فی الحال به رنج و درد و آوارگی وسیع منجر شده است، هیچ توجیهی ندارد و باید فوراً متوقف شود. این جنگ تماماً علیه طبقه کارگر و هر روند آزادیخواهانه در جهان امروز است. این جنگ عقبگردهای بزرگ به جوامع تحمیل می کند، به نیروهای مذهبی و فاشیست و متعصب میدان میدهد و آوارگی و مشقت بیار می آورد. جهان امروز تحولات عظیمی را پشت سر می گذارد، طبقه کارگر و کمونیست ها بعنوان یک طرف درگیر باید راه حل سوسیالیستی خود را در مقابل اهداف ارتجاعی جنگ سرمایه داران قرار دهند.

در شرایط کنونی، اعلام همسرنوشتی طبقه کارگر و اردوی مردم آزادیخواه در روسیه و اوکراین و اروپا و آمریکا، یک گام مهم برای شکل دادن به یک صف مستقل طبقاتی در مقابل جنگ و اهداف دولتهای بورژوازی است. سیاست کمونیسم و طبقه کارگر در تحولات مهم جهان، میتواند ختم جنگ با راه حل کارگران باشد.

کارگران! علیه جنگ امپریالیستی بپاخیزید!

نه به جنگ سرمایه داران!
زنده باد اتحاد انترناسیونالیستی کارگران!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۵ فوریه ۲۰۲۲

بیش از سه دهه از شکست بلوک شرق میگذرد اما کماکان نظم مورد نظر

ساعات اولیه صبح روز پنجشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، ارتش روسیه از چند جبهه زمینی و هوایی و دریایی با موشکهای کروز و بالستیک و بمباران، زیر ساختهای نظامی، تأسیسات نیروی هوایی و فرودگاههای نظامی در شهرهای اودسا و خارکف و کی اف در اوکراین را مورد هدف قرار داد.

جنگ دولتهای روسیه و اوکراین بخشی از یک کشمکش وسیعتر جهانی، و اوکراین صرفاً یک میدان جنگ قدرتهای بزرگ بورژوازی است. رسانه ها از بازگشت به دوران جنگ سرد و "جدال دمکراسی و دیکتاتوری" سخن می گویند. دوران جنگ سرد سه دهه پیش تمام شد و بخشهای جدا شده از فروپاشی بلوک شرق سابق، امروز عمدتاً یا عضو ناتو هستند و یا جملگی در بازار جهانی سرمایه مشغول استثمار کارگرانند. ناسیونالیسم عظمت طلب روسی مدتهاست کمر راست کرده و نظم جهانی تحت رهبری آمریکا را به مصاف طلبیده است. چین بعنوان رقیب آمریکا و قدرت اقتصادی جدید و متحد روسیه نیز اهداف اقتصادی و سیاسی خود را دنبال میکند. مردم کارگر و زحمتکش در اوکراین و روسیه قربانی اهداف این تقابلهای ارتجاعی اند.

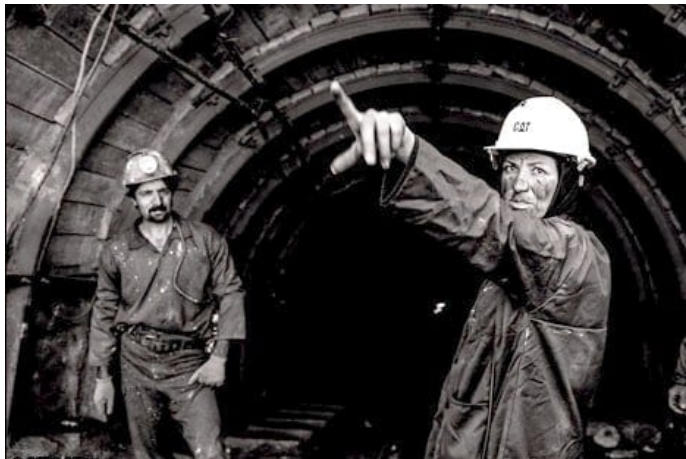
هدف فوری اعلام شده روسیه و پوتین، نفی عضویت اوکراین در پیمان ناتو، ساقط کردن دولت کنونی آن و سرکار آوردن دولت نزدیک به خود و احیای حوزه نفوذش در جمهوریهای جدا شده از شوروی سابق است. یک هدف دیگر روسیه که بتدریج میتواند جامه عمل بپوشد، الحاق اوکراین به روسیه است. اما هدف اساسی تر ناسیونالیسم عظمت طلب روسی که اکنون پوتین پرچم آن را به دست گرفته است، تحمیل و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک ابر قدرت بازیگر در معادلات جهان چند قطبی است.

در مقابل، آمریکا برای جبران موقعیت ضعیف شده جهانی خود با سیاست مهار چین و روسیه برای گسترش ناتو، تضعیف اقتصادی روسیه، ایجاد شکاف بین روسیه و چین و بویژه روسیه و اروپا تلاش میکند. آمریکا قصد جنگ با روسیه را ندارد و برخلاف ابراز محکومیت های شدید، چه بسا حمله پوتین به اوکراین را فرصتی میدانند برای تضعیف موقعیت اقتصادی و سیاسی روسیه و منزوی کردن آن و عرض اندام خود به عنوان بزرگترین قدرت جهانی. اولین نتیجه این حمله متحد کردن مجدد دولتهای غربی حول آمریکا و ناتو، لغو یا تعلیق موقت قرارداد نورد استریم ۲ توسط آلمان، و در موقعیت متناقض قرار دادن دولت چین است. در این فضای کشمکش جهانی و قلدری میلیتاریستی است که چین هم مسئله تایوان را جدی تر از پیش مطرح میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمیت در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!



بار دیگر دولت و کارفرمایان، برای تحمیل دستمزدی چند بار زیر خط فقر به کارگران دورخیز کرده اند. سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. خط فقر رسمی در ایران بالای شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است. دستمزد فعلی و شیوه "افزایش" آن براساس نرخ تورم جعلی بانک مرکزی، کماکان دستمزدها را دستکم سه بار و در بخشهای بیشتری چند بار زیر خط فقر نگاه میدارد. هدف طرح و لایحه "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای"، که مجموعاً دستمزد دریافتی کارگران را باز هم کاهش میدهد، بازتولید ارزانتر نیروی کار است. همینطور قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه و تورم سنگین و تبعات شناور کردن نرخ دلار هر روز سقوط می کند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر به سفره خالی کارگران است.

کار تبدیل میشود، با توجه به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کلیه شهروندان و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون حاشیه نشین و بیکار و مردم فقر زده، پاسخی به این سوال محوری و کلیدی جامعه است.

از نظر عملی، نظر به سرکوب و فقدان سازمانهای کارگری مستقل و برسمیت شناخته شده، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به مجمع عمومی ممکن است. یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد.

دستمزد پایه کارگران باید شامل همه طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمیت بخشهای مختلف طبقه کارگر را برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

۱۵ دیماه ۱۴۰۰ - ۵ ژانویه ۲۰۲۱

از نظر ما و کارگران پیشرو و کمونیست، "شورای عالی کار" بعنوان نهادی کارفرمایی متشکل از دولت و کارفرما و چند مزدور حکومتی، صلاحیت تعیین حداقل دستمزدها را ندارد. کارگران کمونیست مخالف الگوی سه جانبه گرایی هستند و تصمیمات نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" را برسمیت نمی شناسند. مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب طبقه کارگر از جمله مجمع عمومی کارگران است. یک هدف طرح "دستمزد منطقه ای و توافقی"، برداشتن هر نوع قانون و چهارچوبی در رابطه کارگر و کارفرما و تداوم محرومیت کارگر از تشکل و قرارداد دستجمعی و امنیت شغلی است.

حزب حکمیت همراه با کارگران پیشرو در تعیین و طرح خواستهای طبقه کارگر خود را به "امکانات و مقدرات" بورژوازی محدود نمیکند. همینطور محاسبه حداقل دستمزدها براساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم "سید خانواده کارگری" تعیین می کند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. سیاست ما در هم شکستن سیاست تشدید فقر و بمیدان آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت است.

"دستمزد و حقوق پایه مکفی" شعار روز طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده اند و اصلاحیه های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم تر و غیر ایمن تر میکند، از آنجا که تعیین حداقل دستمزد کارگران به مبنائی برای تعیین دریافتی دیگر بخشهای اردوی

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

مردم اکرین قربانی تشدید رقابتہای

امپریالیستی و موضع طبقہ کارگر

جمال کمانگر



میلیونی افغانستان را تحویل طالبان از گور برخاسته داده اند! دخالت بشردوستانہ در لیبی شیرازہ آن کشور را برہم زدہ است. پیمان اتلانٹیک شمالی (ناتو) هدف نہائی اش الحاق اکرین، بلاروس، گرجستان و قزاقستان بہ خود است. برای این منظور دہہا میلیارد دلار سالانہ خرج اپوزیسیون پرو غرب در این کشورہا میشود. هدف

نہائی گسترش ناتو تا مرزہای چین است. در مقابل، روسیہ تحت رہبری پوتین با اتکاء بہ زرادخانہ نظامی و اتمی بہ ارث بردہ از شوروی سابق منابع غنی و فراوان نفت و گاز و غلہ دوبارہ قد علم کردہ است و سهم خواہی و رویای احیای دوران سپری شدہ عظمت طلبی روسیہ را در سر دارد. سرکوب خشن چین و دخالت نظامی در گرجستان در سال ۲۰۰۸ و الحاق شبہ جزیرہ کریمہ بدنبال کودتای فاشیستہا در سال ۲۰۱۴ در اکرین و قدرت نمایی نظامی در سوریہ در سال ۲۰۱۵ و نگہ داشتن بشار اسد در قدرت، بہ ناسیونالیسم روس اعتماد بنفس کافی دادہ است کہ تحقیر دوران شکست بلوک شرق را پشت سر بگذارد. عظمت طلبی روس سهم خود را از دنیای بی لنگر سرمایہ داری کنونی میخواد و این سهم بدون جنگ و خونریزی نخواہد بود.

ہر شخص و دولتی میدیا را کنترل کند افکار عمومی را ہم در کنترل خود دارد. حملہ نظامی روسیہ بہ اکرین با پوشش ۲۴ ساعته توسط تلویزیونہا، رادیوہا و دنیای مجازی با خبرنگارانی کہ بعضا در مقابل دوربینہا اشک میریزند فضائی احساسی را بوجود آوردہ است کہ بندرت جریان یا حزبی پیدا میشود کہ موضع متفاوتی داشتہ باشد. تمام تئمہ سوسیال دمکراسی اروپای غربی راست تر از محافظ کاران موضع میگیرند. نمونہ درخواست حزب کارگر انگلیس برای ممنوع کردن پخش برنامه های تلویزیون "راشا تودی" در انگلستان است. طنز تلخ این است کہ بوریس جانسون راستگرا در مقام دفاع از "آزادی بیان" بہ رہبر حزب کارگر انگلیس اخطار داد: کہ نباید سیاستمداران در این موضوع دخالت کنند. حزب بہ اصطلاح کمونیسٹ روسیہ ناسیونالیست تر از حزب مردم پوتین در "دوما" ظاہر میشود و بر طبل عظمت طلبی روس میکوبد.

وقتی غرش موشکها و هواپیماها بصدا درآمدند منافع طبقہ کارگر برای شکست کشورہای درگیر کنار گذاشتہ میشود! سؤال این است کہ پیروزی در جنگ امپریالیستی چہ ارمانی برای طبقہ کارگر دارد؟

طبقہ کارگر ہمیشہ جناحها و کشورہای درگیر را زیر ذریبہ قرار میدہد و با وسواس از طرف مترقی و پیشرو در جنگ دفاع میکند. اما در این جنگ معین پیروزی روسیہ بہ معنی الحاق کل اکرین بہ خاک خود یا تعیین یک دولت دست نشانده پرو روس است کہ باعث میشود موقعیت برتری در مقابل رقیب امپریالیسم پیدا کند اما شکست روسیہ و پیروزی ائتلاف ناتو و غرب پشتیبان اکرین بہ معنی ادامہ جنگ و گسترش آن برای سالہای آتی است.

از نظر طبقہ کارگر پیروزی و شکست طرفین این مناقشہ

صفحه ۵

آمریکا و اروپا نہ تنها تثبیت نشدہ است بلکہ رقابت قطبہای امپریالیستی بر سر منطقہ نفوذ وارد ابعاد پرمخاطرہ ای شدہ است کہ خطر استفادہ از سلاح های ہستہ ای مثل شمشیر داموکلس روی سر مردم جہان قرار دارد. حملہ نظامی روسیہ بہ اکرین را باید در متن این رقابتہای امپریالیستی توضیح داد.

در سہ دہہ گذشتہ بلوک پیروز بہ رہبری آمریکا و ناتو کشورہای اقماری بلوک شرق را یکی پس از دیگری را بہ خود جلب کردہ است. در این مدت ۱۴ کشور از پیمان سابق "ورشو" بہ عضویت ناتو درآمدہ اند. غرب ہرجا با مقاومت کشورہای اروپای شرقی پرو روس مواجہ شدہ است، دست بہ سازماندہی "انقلاب مخملی" علیہ آن دولتہا زدہ است. حتی فراتر از آن مورد یوگوسلاوی سابق است کہ جزء جنبش "عدم تعهد" بود کہ بہ ہیچ کدام از قطبہای سرمایہ داری دولتی و بازار آزاد تعلق نداشت اما بعد از شکست بلوک شرق، با دامن زدن بہ احساسات قومی و نژادی و زبانی توسط بلوک پیروز غرب، جنگ خونین بالکان در دہہ آخر قرن بیستم اتفاق افتاد کہ باعث کشتار و آوارگی میلیونی در اروپا شد. "دخالت بشردوستانہ" ناتو در جنگ بالکان باعث فروپاشی یوگوسلاوی و ابدی کردن تضادہای قومی و زبانی شدہ است. بر ویرانہ یوگوسلاوی سابق ہفت کشور کوچک تاسیس شدہ است. امکان شعلہ ور شدن جنگ بین صربہا و بوسنیایی ہا بیش از ہر زمان دیگری است.

جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ بہ بہانہ "آزاد سازی" کویت پردہ دیگری از "نظم خونین نوین" مورد نظر آمریکا و ناتو بود. اشغال نظامی افغانستان در سال ۲۰۰۱ بہ بہانہ حملات تروریستی "القاعدہ" دست پروردہ سازمان سیا، انتلجنس سرویس بریتانیا و سازمان های اطلاعاتی پاکستان و کشورہای عربی حاشیہ خلیج بخش دیگری از این سناریو بود.

اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و انگلیس و حمایت ناتو بہ بہانہ سلاح های کشتار جمعی در سال ۲۰۰۳ باعث ویرانی تمام زیر ساختہا و فابریک جامعہ عراق شدہ است و مشتی مرتجع تر از صدام را سر کار آوردہ اند. بیش از یک میلیون کشتہ در عراق بخشی از ہزینہ ای است کہ مردم بی دفاع عراق تاکنون پرداختہ اند.

خروج خفت بار آمریکا و ناتو بعد از بیست سال از افغانستان و بازگرداندن طالبان بہ قدرت نتیجہ ماجراجویی نظامی آمریکا و ناتو بود. طبق آخرین آمار ۹۷ درصد مردم افغانستان برای زندہ ماندن احتیاج بہ کمک غذائی سازمان ملل دارند. مقدرات جامعہ ۳۰-۴۰

زندانہ باد جمہوری سوسیالیستی!



پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق محمد مزرعه کار

با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق محمد مزرعه کار (رفیق سامی) روز یکشنبه ۲۰ فوریه ۲۰۲۲ در آرکانزاس آمریکا بعد از مدتی بیماری درگذشت.

رفیق محمد مزرعه کار از رهبران عملی کارگران شرکت نفت پالایشگاه آبادان در دوره انقلاب سال ۱۳۵۷ بود که در سازماندهی اعتصابات و اجتماعات هزاران نفره شرکت نفت و متحد کردن کارگران و کارمندان پالایشگاه نقش ایفا نمود. محمد مزرعه کار یکی از اعضای "کمیته اعتصاب" نفت و شورای کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان بود. محمد مزرعه کار یک کارگر کمونیست بود و تا پایان زندگی اش از مبارزه طبقه کارگر و تلاش برای سوسیالیسم و حکومت کارگری دفاع کرد. نام و سهم محمد مزرعه کار در تاریخ مبارزات سوسیالیستی کارگران نفت باقی خواهد ماند.

ما درگذشت رفیق محمد مزرعه کار را به خانواده، بستگان و همزمان سالهای طولانی وی صمیمانه تسلیت می گوئیم و خود را در این فقدان شریک و سهیم می دانیم. یاد رفیق سامی، محمد مزرعه کار گرامی است!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۳ فوریه ۲۰۲۲

مردم اکرین قربانی تشدید رقابتهای امپریالیستی و موضع طبقه کارگر ...

خونین ربطی به "دمکراسی و آزادی" و "حفظ قوانین بین الملل" و حاکمیت کشوری ندارد. بعد از شکست بلوک شرق یک دوجین دولت دست ساز و فاسد تشکیل و به مردم حقه شده اند. طبقه کارگر نباید موضع پاسیو و غیر انتقادی از طرفهای درگیر داشته باشد. از منظر قدرتهای امپریالیستی شکست یا پیروزی به معنی تصرف یا از دست دادن هژمونی سیاسی، الحاق سرزمینهای دیگر و برتری نظامی است.

نباید طبقه کارگر سرنوشت خود را به طرفهای درگیر در بحران اکرین وصل کند این موضعی غیر قابل دفاع است. سیاست درست این است که طبقه کارگر در اکرین و روسیه و سراسر جهان علیه هر دو کمپ متخاصم به میدان بیایند. انتظار از کشورهای سرمایه داری که عامل صلح و ثبات باشند، انتظاری بیهوده است. حرص و ولع سرمایه داری برای گسترش امپریالیستی و فتح بازارهای تولید و صدور کالا که کاملاً در چارچوب نظم جدید هضم نشده اند سیری ناپذیر است. جنگ کنونی هیچ منفعت اقتصادی، سیاسی و دفاعی برای توده مردم علی العموم در روسیه و اکرین و اروپا ندارد. یک سوم غله جهان در روسیه و اکرین تولید میشود. حدود ۵۰ درصد از نفت و گاز خانگی اروپا از روسیه وارد میشود. هنوز مهر تحریمهای اروپا و آمریکا خشک نشده است قیمت حاملهای انرژی بسرعت بالا رفته است که ممکن است دوبرابر شود. این مردم عادی هستند که بار جنگ و کشتار و تحریم را بدوش میکشند نه دولتمردان در کاخهای شیشه ای! دامن زدن به جنگ و اشغال نظامی محصول رقباتهای امپریالیستی بین کشورهای مختلف سرمایه داری برای کسب هژمونی و کنترل و استثمار نیروی کار مناطقی است که بطور کامل زیر سلطه نظام سرمایه داری نیستند. "منافع ملی" تنها بهانه ای برای قرار دادن توده های زحمتکش مردم تحت سلطه اذلی و ابدی سرمایه داری است.

رسالت بلافصل سوسیالیسم، رهایی معنوی پرولتاریا از قیمومیت ایدولوژی ناسیونالیستی بورژوازی است. باید لفظ توخالی ناسیونالیسم را به عنوان ابزار سلطه بورژوازی رسوا کرد. در حال حاضر تنها راه اصولی دفاع از استقلال واقعی طبقه کارگر و مبارزه انقلابی علیه سرمایه داری است. کارگران میهن ندارند و دفاع از انترناسیونال کمونیستی کارگری وظیفه اصلی آنهاست.

زنده باد شوراها!
ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده
ای را همه جا ایجاد کنید!
در کارخانه ها و محلات شوراها را
برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و
قیام و فردا ارگان حاکمیت!

کارگران و معلمان زندانی،
کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!



صدام حسین در عراق، تحمیل یک جمهوری اسلامی دیگر در همسایگی ایران است که عواقب و ضرر و زیان ناشی از آن قبل از هر کسی دامنگیر مردم عراق شده و زندگی آنها را به جهنم ای سوزان و دردناک تبدیل کرده است. با توجه به آن، ۱۸ سال از سقوط رژیم بعث صدام میگذرد اما هنوز پدیده ای بنام دولت که بانی و عامل یک برنامه و نقشه هدفمند

امروز خود نظام سرمایه داری باشد، در این جغرافیا نضج و پا نگرفته و نخواهد گرفت، چون وجود خود اینها عامل اصلی بحران سیاسی و اجتماعی در عراق هستند. طی چند سال اخیر ثروت و سامان این کشور توسط میلیشیای مسلح این جریانات قومی - مذهبی یکسره قبضه شده و به عناوین مختلف بین خودشان تقسیم و دست به دست میکنند. مردم هم در ابعاد میلیونی با فقر و نداری غیر قابل تصور دست به گریبانند و بخاطر قوت لایموت خود در برابر این میلیشیای مسلح متکی به قدرت قرار گرفته اند. بحران سیاسی در عراق محلی و لوکالی نیست، منطقه ای و جهانی است. هر یک از جریانات قومی - مذهبی در درون خود شاخه های متعددی دارند که سر ریسمان شان به کشور های منطقه خاورمیانه و اروپا و آمریکا بند است و در منافع کشوری با آنها شریک و سهیم اند. به همین خاطر، طی ۱۸ سال اخیر، موجودیت خود دولتهای قومی مذهبی به منشأ و عامل اصلی بحران در عراق تبدیل شده است و بمثابه نیروهای نیابتی در جهت منافع کشورهای منطقه و جهان بکار گرفته می شوند.

با توجه به آن، تا زمانیکه این نیروهای قومی - مذهبی در اریکه قدرت باقی باشند بحران سیاسی و اجتماعی در عراق، نه تنها رفع و برطرف نخواهد شد بلکه افزایش خواهد یافت و در نهایت جامعه را به سمت تباهی و نابودی سوق خواهند داد. چون هیچیک از اینها به زندگی و خواست مردم توجهی ندارند. در یک کلام، بحران حکومتی در عراق و مسائل کنونی، نتیجه شکست و فروپاشی پروژه فدرالیسم و نسخه های آمریکا در عراق است. مردم عراق و منطقه این دولتها را نمی خواهند.

کمونیسیت هفتگی: اخیرا دادگاه فدرال عراق حکمی صادر کرده است که طی آن حکومت اقلیم کردستان، باید همه درآمد نفت و گاز را در اختیار حکومت مرکزی قرار دهد و منبعده حق استفاده از این منابع را ندارند. این حکم دادگاه فدرال هم با عکس العمل هایی در میان احزاب حاکم در کردستان و عراق روبرو شده است. نظر شما در این باره چیست؟

عبداله دارابی: در این رابطه پیشاپیش لازم می بینم کوتاه و مختصر به «دادگاه فدرال» عراق به عنوان یک نهاد به اصطلاح «مستقل» اشاره ای بکنم و براساس آن به پاسخ سوال طرح شده نیز بپردازم. در ظاهر امر این نهاد قضائی با دخالت و شراکت هر سه جریان قومی - مذهبی تحمیل شده بر مردم عراق، ساخته و پرداخته شده است. البته آنها هم بر مبنای وزن و تناسب قوای هر یک از نیروهای سر هم بندی شده در حاکمیت عراق. برای نمونه، ۲ دادیار اقلیم کردستان در «دادگاه فدرال» عراق عضو هستند. مضاف بر آن، همینجا اشاره به یک ذهنیت عمومی و رایج در این زمینه نیز ضروری است که گویا «دادگاه قضائی در همه جا و همه کشورها

در باره اوضاع سیاسی عراق

گفتگو با عبدالله دارابی

کمونیسیت هفتگی: در عراق بعد از سقوط صدام حسین، آمریکا و دول غرب، دولتهایی بر مبنای قومی - مذهبی به مردم عراق تحمیل کردند. در همه این سال ها این سرهم بندیهای قومی - مذهبی بحران های متعددی را بهمراه داشته و این دولت ها نتوانسته اند مشکلات مردم را جوابگو باشند. اخیرا هم بر سر انتخاب رئیس جمهور و تشکیل دولت جدید به بحران دیگری تبدیل شده است. چرا این اوضاع ایجاد شده است؟

عبداله دارابی: برای پاسخ به این سوال، ضروری است کمی به عقب برگردیم تا روش شود این دولتهای سرهم بندی شده عراق بعد از سقوط صدام، محصول کدام روند تاریخی و نتیجه عمل چه رویداد خاصی بودند که ناخواسته و به دور از میل و اراده مردم بر جامعه جنگ زده و تباه شده عراق تحمیل شوند و به عنوان ناجی و نجات دهنده مردم بر اریکه قدرت لم دهند و براحتی در راستای منافع طبقاتی خود حکم برانند؟

شکل دهی پشت سرهم چند دولت قومی - مذهبی در عراق بعد از صدام، محصول شروع یک جنگ ویرانگر و خانمان سوز آمریکا و دول غرب در عراق بود که سرانجام آن به سقوط رژیم بعث صدام حسین منجر گردید. اما در عالم واقع نفس این جنگ سرسوزنی به تغییر و بهبود زندگی مردم عراق و یا نجات مردم آن از دست یک رژیم دیکتاتور و سفاک چون رژیم صدام حسین نبود و با آن بیگانه بود. این جنگ در واقع برای ایجاد و برقراری «نظم نوین جهانی» به سرکردگی آمریکا سازمان داده شد که بدنبال سقوط بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ میلادی آمریکا به آن نیاز مبرم داشت. چون آمریکا خوب میدانست سقوط بلوک شرق به تنهایی، سلطه و برتری مادام العمر جهانی آمریکا را ضمانت نمی کند. در نتیجه، به جنگی نیاز داشت که تداوم هژمونی آن بر جهان را بمثابه یکی ازقطبهای قدرتمند بزرگ تأمین و تضمین نماید. برای دست یافتن آمریکا به این هدف، چیزی غیر راه اندازی یک جنگ بزرگ و خانمان سوز در یک کشور کوچک نفت خیز جهان سومی مثل عراق که نیروهایش در جنگ ۸ ساله ایران و عراق بکلی خسته و فرسوده شده بودند، نبود. به همین خاطر، شروع آن در دوران رئیس جمهوری بوش پدر کلید خورد که به ویرانی و تباهی جامعه عراق منجر گشت و بخاطر آن ده ها هزار زن و کودک و انسان شریف قربانی شدند و شیرازه کل جامعه نیز بکلی از هم پاشیده شد.

سرهم بندی دولتهای قومی-مذهبی با دهها گروه و عشیره و باند آدمکش و تروریست، تحمیل آنها بر مردم عراق، محصول این جنگ ویرانگر و تباه کننده بود که نتایج و آثار مخرب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن نیز تا دهها سال دیگر بر زندگی و روان مردم عراق باقی خواهد ماند. تغییر و تحولات بعد از سقوط

در باره اوضاع سیاسی عراق

گفتگو با عبدالله دارابی ...

بخش قابل توجه ای از حاکمیت فعلی عراق است که مورد حمایت بخشی از دولتهای عرب و آمریکا و اتحادیه اروپا نیز میباشد. اما باید این را دانست که منشأ این جدال و کشمکش به هیچ وجه در راستای منافع مردم و بهبود یافتن زندگی آنها نیست. تغییر توازن قوا بین اقلیم و بغداد بجایی رسیده که بورژوازی مرکز تحمل نمیکند بورژوازی محلی در کردستان به تنهایی این همه ثروت را به یغما ببرد و آنرا از دست یابی بورژوازی مرکز دور کند. بورژوازی محلی تا حال بدون مشکل و مانع ثروت موجود در کردستان را به تاراج برده، که از این پس تدوام آن برای بورژوازی قوی تر شده در مرکز قابل قبول نخواهد بود.

گمونیست هفتگی: با توجه به توضیحاتی که به آن اشاره کردید، راه چاره چیست؟ آیا مردم عراق محکوم به این سرنوشت هستند؟

عبدالله دارابی: بی تردید سهم زندگی مردم کارگر و زحمتکش از ثروت وافر و هنگفت عراق این نیست که احزاب قومی - مذهبی تاکنون در حق مردم این کشور روا داشته اند. مردم عراق و کردستان سزاوار این همه درد و رنج و استثمار نیستند که احزاب قومی - مذهبی سالهاست به آنها تحمیل کرده اند. مردم باید دست دولت مرکزی و کردستان را از سر زندگی خود کوتاه کنند و اجازه ندهند بیش از این در باتلاق فقر و فلاکت تحمیل شده بر خود و فرزندان تان فرو بروید. حق اولیه مردم عراق و کردستان است که از این پس بر سرنوشت خویش حاکم شوند و با اتکا به خود از یک زندگی شاد و امن و مرفه و بدور از هر گونه ظلم و ستم طبقاتی برخوردار گردند. مردم عراق و کردستان باید نیک بدانند که جنگ و جدال و کشمکش بین احزاب و جریانات قومی و مذهبی، جنگ و دعوی بین آنها نیست و باید عامدانه و آگاهانه خود را از آن دور بردارید و به زیستن زیر پرچم هیچکدام از این جریانات راضی و قانع نشوند. دست در دست هم بگذارید و برای رهایی و آزادی قطعی به مبارزات حق طلبانه خودتان ادامه دهید.

۲۵ فوریه ۲۰۲۲

نهادی مستقل و بیطرف است و حین رسیدگی به اختلافات بین گروه های سیاسی و یا حتی دولتها، ویژگی بیطرف بودن خود را حفظ کرده و از طرف خاص و ویژه ای جانبداری نمیکند! صحت داشتن چنین حکمی هر جا بدرجه ای ممکن باشد، در نهادهای حاکمیت امروز عراق مطلقاً وجود ندارد. چون در عالم واقع کل دم و دستگاه کلیدی حاکمیت در عراق، دولت و رئیس جمهور و وزیر خارجه و... بی کم و کاست بدور از خواست و تمایل اکثریت شهروندان عراق، سرهم بندی شده و به نیابت و جانبداری از کشورهای منطقه و جهان چون ایران، عربستان، ترکیه، آمریکا و... بر مردم جامعه عراق تحمیل شده اند. با علم به این واقعیت، به سراغ مضمون حکم دادگاه فدرال میروم و به اختصار به آن اشاره میکنم. قبل از هر چیز ابتدا باید پرسید: چه تغییر و تحولی در عراق و منطقه اتفاق افتاده که فیل «دادگاه فدرال عراق» بعد از ۳۱ سال تولید و فروش نفت و گاز توسط احزاب حاکم اقلیم کردستان، تازگی به یاد هندوستان افتاده و فرمان صادر میکند؛ تولید و فروش نفت و گاز توسط احزاب قومی سرمایه دار در اقلیم کردستان ممنوع است و از این پس باید پول دریافتی ناشی از فروش آن به خزانه مرکزی حکومت «فدرال» در بغداد سرازیر شود و حساب و کتاب سی سال قبل آن نیز باید صاف شود و مورد رسیدگی قرار بگیرد؟ در طرف مقابل نیز احزاب اصلی حاکم بر مردم کردستان نیز، بشدت مضطرب و پریشان خاطر شده فریاد میزنند این حکم سیاسی است و نباید آنرا بمرحله اجرا گذاشت! چون نفت خودمان است و مربوط به دوران صدام حسین نیست! ولی قباح و شرمساری اینجاست که هیچ یک از طرفین این جدال، حاضر نیستند راجع به اصل ماجرا و حقانیت صاحبان و باتیان اصلی این ثروت و سامان (مردم جامعه عراق) لام تا کام کلمه ای به زبان بیاورند و اقرار کنند آنچه آنها از ده ها سال قبل تاکنون با زور و تزویر غصب کرده و به یغما برده اند، متعلق به مردم سراسر عراق است نه هیچ سرمایه دار مفتخوری. چون مبنای اصلی ایجاد بحران سیاسی موجود در عراق، قبل از هر چیز خود همین نیروها بودند که با اعمال زور و فریب خود را بر زندگی و جان و مال مردم تحمیل کرده و راه برون رفت آنرا از آنان سلب کرده اند. تاریخ نشان داده است که جریانات قومی مذهبی هر جا حضور یابند خود به منشأ و منبع بحران سیاسی در جامعه تبدیل میشوند. از قرار معلوم دعوی جدید امروز جامعه عراق هم، بخاطر تغییر و تحولاتی است که در سطح منطقه اتفاق افتاده یا در شرف وقوع است، و بازتاب آنهم آشکارا در جامعه نشو و نما یافته و برای عموم نیز قابل رویت است. این دعوی بر سر تقسیم مجدد ثروتی است که کارگران به عنوان خالق اصلی آنرا در سراسر عراق برای سرمایه داران مفتخور و زورگو خلق کرده اند و هر یک از آنها نیز برای دستیابی به سهم بیشتر طرف مقابل را به مصاف میطلبند. صدور حکم جدید دادگاه فدرال هم در نهایت امر چیزی غیر از تغییر توازن قوای سیاسی بین احزاب و جریانات قومی مذهبی در عراق و کردستان نیست، که به منظور کسب سهم بیشتر ثروت جامعه از آن به نفع خود استفاده میکنند. نگرش متمرکز کردن و یکپارچه کردن عراق و بازگرداندن آن به آغوش دول عرب، یکی از تلاشهای مهم و فکوس شده

اطلاعه

parlow TV

بهنندگان عزیز

از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست بخش خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون پر تو، رسانه تصویری حزب کمونیست، برنامه های خود را از این کانال بخش می کند.

ماهواره پاه ست
لوگاس: ۱۲۵۹۴
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۳۲۲

ساعات بخش به وقت ایران
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعتهای
۳:۳۰ تا ۴:۳۰
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

آموزش رایگان برای همگان!



آزادی زن در گرو یک آلترناتیو سوسیالیستی است!

چرا انقلاب آتی ایران، انقلابی زنانه خواهد بود؟

پروین کابلی

همسر"، تجاوز به کودکان تحت عنوان "کودک همسری"، چند همسری، تجاوز، اسید پاشی موجی از خشونت و قتل عام را علیه زنان بوجود آورده است که مسبب و عامل اصلی آن رژیمی است که برای بقای خود دست به هر جنایتی میزند.

وقتی با این مشخصه وارد دوره کنونی که دوره تلاطمات اجتماعیست می شویم، نقش جنبش ها و جایگاه طبقاتی آنها برجسته تر میشود. احزاب و جریانات سیاسی در صحنه سیاست با برنامه و عمل خود در مقابل جامعه قرار میگیرند و این سوال برای مردمی که در این تغییرات ذینفع اند و ناچارند برای تغییر نقش بازی کنند مطرح است که کدام حزب و برنامه میتواند منشا تغییراتی اساسی در زندگیشان باشد. برای طبقات مختلف طبعا این سوال استنتاجات مختلف دارد. امروز جنبشی برای سرنگونی حکومت وجود دارد اما همزمان با خواست سرنگونی جنبشهای اجتماعی و طبقاتی هرکدام با سیاست و برنامه و خواستههای متمایز خود وارد میدان می شوند. هرچه جلوتر میرویم راست و چپ جامعه در مقیاس وسیع تر بیش از پیش در ترازوی قضاوت قرار میگیرد. مردم ناچارند انتخاب کنند و برای این انتخاب مسائل کلان و ملموسی را مبنا قرار می دهند.

همه بر این امر واقف هستند که زنان یکی از نیروهای اصلی جامعه ایران در تحولات آتی هستند. چهار دهه سرکوب و جنایت بر علیه زنان و متقابلا مبارزه و ایستادن روزافزون زنان بر علیه قوانین آپارتاید جنسی، جنبش حقوق زن را به یکی از نیروهای مهم در این تغییرات بدل نموده است. بهمین جهت مقابله رو در رو با یکی از ضد زن ترین و خشن ترین حکومتهای دنیا یکی از خصوصیات ویژه جنبش آزادی زن در ایران است. سرکوب و غارت، فقر و تنگدستی، آزار سیستماتیک جنسی و روانی و قوانین نابرابر نتوانسته است این جنگی را که زنان از همان روز اول سرکار آمدن رژیم اسلامی آغاز کردند، خاموش کند. این جنبشی شدت ضد اسلام، ضد قوانین آپارتاید جنسی و رادیکال است و کلیت نظام را نشان گرفته است. بارقه های این پتانسیل را ما می توانیم در کشمکش های خیابانی با مزدوران رژیم، در مبارزات دانشجویی، در خیزشهای دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ و نقش رهبری زنان بروشنی ببینیم. رجوع به شعارهای این دوره نشان میدهد که این جنبشها ضد رژیم اسلامی و ضد نظام سرمایه داری و نابرابری و تبعیض هستند.

جنبش برابری زن و مرد در جامعه ایران جدا از جنبش برای رفاه و آزادی و برابری همگانی نیست. برای همین است که ما می بینیم چگونه این جنبش از پشتیبانی وسیعی در میان مردم برابری طلب و آزادیخواه در ایران برخوردار است. بدون این حمایت زنان هرگز نمی توانستند

صفحه ۹

جامعه ایران در سالهای اخیر وارد فاز دیگری از مبارزه با جمهوری اسلامی شده است. از اعتراض روزانه در خیابانها تا اعتصاب مراکز تولیدی و معلمان از خصوصیات بارز این دوره می باشد. اظهارات ضد و نقیض سران رژیم ترس از زلزله ای را که احتمالش را زیاد می دانند، بیشتر نموده است. این هراس خود را در حملات روزانه به زنان بخوبی نشان می دهد.

اعتراض روزمره زنان به حکومت یکی از مختصات جامعه ایران در طول حیات جمهوری اسلامی بوده است و همین واقعیت حضور و سنگینی مسئله زن در جامعه را به روز و زنده نگاه داشته است. جمهوری اسلامی حکومت آپارتاید جنسی است و همین اعمال خشن ترین روابط اجتماعی و قانونی را امکانپذیر می نماید و فرودستی زن درحال افزایش است. سوالی که اینجا مطرح می شود اینست که چگونه در جامعه ای که زنان به قوانین آپارتاید جنسی تن نداده اند و روزانه با آن مقابله می کنند، میشود از اعمال خشونت و افزایش آن سخن گفت. این تناقض چگونه قابل توضیح است؟

این جواب را باید در خود جامعه ایران جستجو نمود. علیرغم ادعاها و تلاشهای رژیم جامعه ایران هرگز اسلامی نشد. اسلام نه تنها به شیوه و منش مردم در زندگی تبدیل نشد بلکه تمایلات ضد اسلامی و ضد مذهبی هر روز گسترش می یابد و زنان یکی از پرچمداران این جنبش ضد اسلامی هستند. برای این ادعا لازم نیست به شمردن تک تک کسانی که از اسلام روی گردانده اند پرداخت بلکه کفایت به چهار نسل از زنان و مردانی که در جمهوری اسلامی متولد شدند، بزرگ شدند، در مدارس تحت کنترل جمهوری اسلامی آموزش دیدند، نگاه کنیم تا ببینیم که اسلام در زندگی مردم جایگاهی ندارد. ناظران بی غرض هم شاهد این جنبش ضد اسلام در جامعه ایران و بویژه در میان زنان هستند.

پرچم اسلامیزه کردن جامعه ابتدا با حمله به زنان بلند شد. اما علیرغم همه فشار و سرکوب، زنان سدها را شکستند و بتدریج جلو آمدند. جدالی که به قیمت زندگی های زیادی تمام شد، کشمکش که تاریخی به قدمت خود جمهوری اسلامی دارد. در واقع میتوان گفت که جنبش نوین زنان از همان روزهای قیام ۵۷ بعنوان آنتی تز جنبش اسلامی متولد شد و در مقابل آن قد عمل نمود. اما علیرغم مقاومت زنان سیاست جدا سازی جنسیتی با سرکوب و تبلیغات شیوع اعمال شد. با اشاعه و زنده کردن عقب مانده ترین سنت های ضد زن و مرد سالار بر علیه زنان؛ تحت عنوان "دفاع از شرف و ناموس خانواده و

اعدام قتل عمد دولتی است!

آزادی زن در گرویک آلترناتیو

سوسیالیستی است ...

سنگرهای را که اکنون بدست آورده اند فتح کنند. هزاران زن که الگوهای متعارف زن ایرانی را دور می زنند و روزانه از خط قرمز رژیم عبور می کنند از یک حمایت عملی و معنوی قوی در جامعه برخوردارند. برکسی پوشیده نیست که روابط جنسی خارج از ازدواج سنتی و ازدواج های سفید با تائید جامعه اطراف امکانپذیر است.

یک ویژگی منحصر به فرد در جنبش برابری طلبی در ایران این است که با جنبش ضد حکومتی و ضد نظام سرمایه داری خود را تداعی می کند. این جنبش توهمی به رژیم و آخوند کراواتی ندارد. به ایجاد تغییرات سانتیمتری در میان خیل مصلحین نظام چشم ندوخته است. قرار گرفتن نمایندگان جنبش برابری طلب در صفوف اول قیامهای شهری، مبارزات کارگری و یا دانشجویان، که شعار نه به آپارتاید جنسی را فریاد میزنند و بنرهای "فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم" در دست دارند، نشان میدهد که جنبش برابری طلب بیش از هر دوره ای برای امر آگاه است که مبارزه برای رفع تبعیض را به یک چشم انداز سوسیالیستی و کارگری گره بزند.

جنبشی که از همان ابتدا گفت "حقوق زن نه شرقی است نه غربی جهانی است"، در منطقه و جهان نیز مورد توجه است. همینطور زنان در منطقه خاورمیانه با حکومت های اسلامی و استبدادی و ضد زن روبرویند و همین مبارزات و خواسته های آنها را به هم گره میزنند. زنان مبارزه در افغانستان، عراق، لبنان، کردستان و ... خود را همسرنوشت و همراه مبارزه زنان ایران می دانند. پیروزی بر جمهوری اسلامی و آزادی زن در ایران، حرکت های برابری طلبانه در منطقه را تقویت و وضعیت کنونی زنان در صدها کامیونیتی مهاجران را زیر و رو خواهد کرد که اکنون توسط ارتجاع اسلامی و نژاد پرستی با تکیه به سنت های عقیمانده تبدیل به قفسی برای آنها شده است. این یک ادعا نیست، سقوط سیاسی و فرهنگی حکومت آپارتاید جنسی و اسلامی تغییراتی اساسی برای میلیونها انسان در جهان به همراه خواهد داشت.

این خصوصیات وظایف مهمی را در مقابل کمونست ها و جنبش سوسیالیستی در جامعه ایران قرار می دهد. از نظر ما زنان برابری و رفع تبعیض می خواهند، شاید و حتما همه زنان سوسیالیست نباشند یا نیستند اما رادیکال ترین و انقلابی ترین بخش این جنبش پرچم برابری طلبی سوسیالیستی را در دست دارد. مبارزه بر علیه موقعیت فرودست زنان یک وجه مهم مبارزه ما کمونست ها بوده است. برنامه عمل کمونست ها در قبال مسئله زن، پیشروترین پاسخ در دوره کنونی است. همینطور از نظر ما لغو فوری قوانین آپارتاید جنسی، آزادی پوشش، حقوق و آزادی های مدنی و اجتماعی، انتخاب آزادانه بزرگسالان برای زندگی مشترک بدون هیچ شرط قانونی و سنتی، برابری بدون قید و شرط در محلهای کار، برابری در قانون،

حمایت قانونی از زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند، خلاصی فرهنگی از تمام سنت ها و موانعی که در مقابل رشد و پویایی زن و جامعه قرار می گیرد، جزو سیاستهای روز و مبارزاتی ما علیه حکومت و بدنبال سرنگونی است. در عین حال، گرایشات راست در این جنبش برای رقیق نمودن خواستها و اهداف جنبش برابری زن و مرد است. جنبشی که تا دیروز در داخل کشور برای تغییرات قانونی چند میلیمتری کش و قوس میرفت و سماع میکرد، امروز که ورشکسته اند تحت تاثیر و فشار جنبش برابری طلب بنا به مصالح روز کمی "رادیکال" شدند اما تلاش میکنند کلیت رژیم را از زیر ضربات جنبش برابری طلب نجات دهد. دوران اینها مثل خود حکومت اسلامی گذشته و بسر رسیده است. دوره کنونی نه دوره توهم رفرم در حکومت اسلامی بلکه دوره تغییرات انقلابی و رادیکال است.

۸ مارس امسال و در شرایط ملتهب کنونی، ضروری است که جنبش آزادی زن با راه حل روشن به صحنه بیاید و همراه جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان و ستمدیدگان بر تغییر انقلابی تاکید کند. راه دیگری وجود ندارد، اگر هم باشد تغییر بنیادی در فرودستی زن ایجاد نمی کند. جنبش آزادی زن به یک رهائی سوسیالیستی چشم دوخته است و با قدرت در صحنه است. همین حضور مهم و غیر قابل زنان در هر تحولی، همین قبول فاکتور مهم زن در هر محاسبه سیاسی نیروهای مختلف، به هر تحول در جامعه رنگی زنانه میزند. به این اعتبار میتوان گفت؛ "انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه خواهد بود".

۲۴ فوریه ۲۰۲۲

جنگ سایبری در روند سرنگونی جمهوری اسلامی ...

این "خطر" را می بینند و روشن است در مقابل آن بیکار نمی نشینند! بخشی از اپوزیسیون پروغرب پس از مایوس شدن از ارتش و نظامیان جمهوری اسلامی، چندی قبل و بالاچار به جنبش سرنگونی طلبان پیوستند. بخشی از آنان "شورای مدیریت گذار" برای "گذار از جمهوری اسلامی" را اعلام کرده اند! آن طرف تر نورا فکن ها با حمایت سرشار مالی دولتها به یکباره بروی نشستهای گوناگون رجوی و همسر محببه او، با این و آن رئیس جمهور و دهها نماینده مجلس قرار می گیرند. در خیابانها و بازارها، این بلندگو و آن بلندگو شعار زنده باد رجوی سر میدهند! آیا قرار است همانطور که چهل و اندی سال پیش رسانه ها و دستگاههای امنیتی غرب خمینی را "رهبر" نه مردم به نظام سلطنت کردند، امروز قرار است رجوی را بعنوان "رهبر" نه جامعه ایران به مردم بفروشند؟

اما طبقه کارگر آگاه ایران، جنبش انقلابی سرنگونی طلب و حزب ما نخواهند گذاشت که احزاب راست با حمایت دول غرب با زد و بند از بالا، باری دیگر آلترناتیوی برای حفظ نظام سرمایه بتراشند و تاریخ سیاه دو نظام شاهنشاهی و جمهوری اسلامی را برای چهل سال دیگر به مردم ایران تحمیل کنند. جامعه ایران یک بار دیگر گول این شعبده بازیهای را نخواهد خورد. آلترناتیو تراشی آنها از نوع مجاهدینی در جامعه ای که اسلام را بزیر می کشد، البته مسخره است و از همین امروز پاسخ نه محکم میگیرد

۲۴ فوریه ۲۰۲۲

جنگ سایبری در روند سرنگونی جمهوری اسلامی کاریکاتور آلترناتیو تراشی مجاهدینی

نادر شریفی

مقدمه: نقد عمیق ما مارکسیست ها به سرمایه داری در آن است که هیچ انسانی، حتی سرمایه دارش، نمی تواند در جوامع سرمایه داری آزادی و خوشبختی واقعی را بدست آورد. امروز میتوان به فلاکت جوامع انسانی، نگون بختی طبیعت، بردگی و اسارت جانداران را نیز اضافه کرد. وحشت از دست دادن سرمایه و شکست در چرخه سودآوری در رقابت با دیگر واحدهای سرمایه داری، درد ناعلاج اقتصاد سرمایه داری است که برای رهائی واقعی از آن، ضروری است که سیستم سرمایه داری را سرنگون و ملغی کرد. با پیشرفت روزافزون فناوریهای اطلاعاتی و گستردگی ابزار و تجهیزات سخت و نرم افزاری، اشکال جدید و وحشت انگیزتری از این رقابت (دوست و دشمن هم تفاوت چندانی ندارد) بوجود آمده است، که به "جنگ سایبری" معروف می باشد. در واقع واحد اقتصادی، سیاسی و یا نظامی (شرکتهای بزرگ خصوصی و یا چند ملیتی و حکومتی) خود را در جنگی پیوسته با دیگر واحدها می بیند. چرا که رقابت در عصر دیجیتال آن چنان تعمیق پیدا کرده است که نمی توان بین دوست و دشمن تفاوت چندانی قائل شد. براین اساس به درگیریهای نظامی که ترکیبی از جنگ کلاسیک و جنگی که فناوریهای سخت و نرم افزاری نیز بکار گرفته می شود، جنگ ترکیبی می گویند. در واقع جنگ ترکیبی شکل ترکیبی انعطاف پذیر از وسایل منظم و نامنقارن، متقارن و نامنقارن، نظامی و غیر نظامی درگیری را توصیف می کند که آشکارا و پنهانی با هدف تار کردن آستانه بین دولت های دو سویی جنگ مورد استفاده قرار میگیرد. در نتیجه جنگهای سایبری، در کنار جنگهای کلاسیک ابعاد تخریب کننده اقتصادی و حتی جانی نیز دارند. روشن است جنگهای سایبری که هر روزه پیرامون مان با حدت در جریان اند، اهداف متنوعی دارند، تضمین برتری اقتصادی و نظامی تا جاسوسی حکومتها و شرکتهای بزرگ، مهم ترین عرصه های "جنگهای سایبری" را در برمیگیرند. استفاده از سیستم فناوری دیجیتالی در خدمت استراق سمع، شنود تلفنی، پیامک، کنترل نامه های الکترونیکی، تا ردیابی و دستگیری و غیره، تاکید اصلی این مقاله است.

ارتش سایبری جمهوری اسلامی

"ارتش سایبری" جمهوری اسلامی که زیر مجموعه سپاه پاسداران است، به "سپاه سایبری" معروف است، این "ارتش"، سالیان سال است که در خفا در حفظ نظام حافظ سرمایه اسلامی فعالیت میکند. هرچند که اطلاعات چندان دقیقی در باره دامنه و حدود ارتش سایبری جمهوری اسلامی در دسترس نیست، اما این ارتش تا به امروز حداقل به چندین وب سایت آمریکایی و چینی و عربستانی

حمله کرده است و در تعقیب و دستگیری دهها بل صدها نیروی اپوزیسیون موفق بوده است. غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، روز ۱۶ شهریور سال ۱۳۹۸ اعلام میکند که: "بسیج مستضعفین" در فضای مجازی، ۱۰۰۰ گردان سایبری سازماندهی کرده است. در همین سال، رئیس سازمان فضای مجازی بسیج هدف سازمان بسیج را استفاده از ۸۰ هزار

بسیجی برای سازماندهی فضای مجازی عنوان کرده است. در آبان ۹۹، فرمانده سپاه "محمد رسول الله" تهران نیز اعلام کرد که لشکر سایبری سپاه تهران متشکل از ۱۴۴ گردان سایبری در فضای مجازی مشغول بکار است. با این حساب ملاحظه می شود که جمهوری اسلامی با بیش از ۸۰ هزار ارتش سایبری در "فضای مجازی" در کنار چیزی تقریبی نیم میلیون نیروی امنیتی مسلح در کشور روزانه در حفظ نظام کپک زده اسلامی است. تعقیب، ردیابی، تهدید و دست آخر آدم ربائی اپوزیسیون جمهوری اسلامی چه در داخل و چه در خارج کشور بخش عمده مجموعه اقداماتی است که "ارتش سایبری" جمهوری اسلامی با همکاری نیروهای سرکوب و تروریستی خود در دستور کار قرار داده است.

حملات سایبری به جمهوری اسلامی

روشن است از زمانی که خیر راه اندازی دوباره پروژه اتمی جمهوری اسلامی به بیرون درز کرد، دستگاههای امنیتی جهان حساسیت شان به برنامه های هسته ای و خود رژیم چند برابر شد. خبر دستیابی اطلاعات گسترده سازمان های امنیتی راجع به نیروگاهها و متخصصین و دست اندرکاران پروژه اتمی و سپس حمله به این نیروگاهها و ترور برخی از سردمداران پروژه اتمی رژیم توسط دولت اسرائیل که با حمایت دولتهای منطقه به پیش برده شد و امروز توسط هر دو طرف تأیید شده اند، نشان دهنده جنگ بی امان این دو حکومت و هم پیمانان آنان با یکدیگر است.

اما جمهوری اسلامی در هفته ها و ماههای گذشته با جنس دیگری از "جنگ سایبری" روبرو شده است. با هک شدن "دوربینهای مدار بسته" زندان اوین توسط گروهی که خود را "عدالت علی" نامگذاری کرده اند و هک شدن چند برنامه تلویزیونی جمهوری اسلامی و در ادامه دیگر دستگاههای حکومتی در اقصی نقاط کشور، ما با جنس دیگری از عملیات ارتش سایبری در ایران روبرو می باشیم. گروه هکر "عدالت علی" در مرداد ماه امسال دوربینهای مدار بسته امنیتی زندان اوین را هک کرد و از چند روز بعدش به صورت "قطره چکانی" و انتخابی، اقدام به انتشار (نه چندان) فیلمهای دلخراشی که از داخل زندانهای جمهوری اسلامی میگذرد، مدعی پرده برداشتن از تصاویر "عادی" و "روزمره" از درون زندان اوین شد و هشدار داده بود که به زودی تصاویری منتشر می کند که پیامدهای بسیار بزرگتری برای جمهوری اسلامی خواهد داشت. سپس خبر هک شدن ۱۰ ثانیه ای پنج شنبه هفتم بهمن ۱۴۰۰ که با آن پخش برنامه از چند شبکه تلویزیونی ایران از جمله شبکه های یک، قرآن، پیام و جوان متوقف شد اذهان عموم را به خود جلب کرد که همزمان تصاویری از مریم رجوی و مسعود رجوی از رهبران سازمان مجاهدین خلق و تصویری

جنگ سایبری در روند سرنگونی جمهوری اسلامی

کاریکاتور آلترناتیو تراشی مجاهدینی ...

از رهبر جمهوری اسلامی با ضربدر قرمز که روی آن شعار "مرگ بر خامنه‌ای، درود بر رجوی" دیده می‌شد، پخش شد. شاهین قبادی، سخنگوی مجاهدین خلق مستقر در پاریس، در واکنش به این خبر به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: "ما نیز مانند شما الان از این موضوع مطلع شدیم." او بدون اینکه مستقیماً مسئولیت این حمله سایبری را متوجه سازمان مجاهدین کند، گفت: "به نظر می‌رسد که این کار توسط حامیان مجاهدین خلق و واحدهای مقاومت در ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی رژیم انجام شده است."

روشن است حمله سایبری و تأیید رسمی آن، مساوی است با تعقیب بین المللی، دستگیری، محاکمه و حبس و حتی تقبل مجازاتهای سنگین مالی. قصد منم اینجا این نیست که درجه تخلف چنین حملاتی را بررسی کنم، بلکه نشان دهم که برخلاف فیلمهای هالیوودی که یک نوجوان چهارده‌پانزده ساله ظرف مدت چند دقیقه با یک تلفن دستی (حتی) از دهها حلقه امنیتی عبور می‌کند و فلان سازمان امنیتی و حکومتی را هک میکند، برای چنین کارهایی احتیاج به جمعی از افراد متخصص و کارآمد، امکانات فنی، فنآوریهای پیشرفته، غیر قابل ردیابی و دست آخر آن تکنولوژی و یا فنآوری برتری است که بتواند از میدانهای حفاظتی مختلفی عبور کرده و قادر باشد کنترل تکنولوژی رقیب و یا دشمن را بدست بگیرد. دقیقاً همین تفاوت یک فیلم هالیوودی با عملیات یک "ارتش سایبری" متخصص و کار کشته با امکانات فراوان مالی را نشان میدهد. افرادی مثل اسنودن که پرده از استراق سمع وسیع رسانه‌های اجتماعی توسط دستگاه امنیتی آمریکا برداشتند، بدون تأیید شبکه‌های اجتماعی در حمایت از سازمانهای امنیتی خود، حتی این متخصصان برنامه نویس و با در اختیار داشتن مدرنترین امکانات، براحتی امکان دستیابی به امکانات کاربران شبکه‌های اجتماعی را بعنوان مثال پیدا نمی‌کردند. با این وجود که شخص اسنودن فردی متخصص و کار کشته در حرفه خود بود و با وجود حفظ بالاترین ضریب‌های امنیتی باز هم او بدام همان سازمانهای امنیتی افتاد و دست آخر مجبور به فرار و ترک کشور شد!

با توجه به این حقیقت ساده که هک کردن تلویزیونهای جمهوری اسلامی در کنار عبور از دایره‌های حفاظتی برای دست یابی به دوربینهای مدار بسته زندان اوین که قتلگاه دهها هزار جوان آزاده توسط دو نظام اسلامی و آریامهری است، برای عاملین میتواند نتایج جانی بسیار سختی ببار آورد، تصور اینکه گروهی حامی مجاهدین خلق و واحدهای مقاومت، در زیرزمینهای خانه خود بناگاه، دست به هک کردن شبکه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی زده اند، بیشتر لطیفه‌ای است که به آن نمی‌شود راستش خندید! بنابراین میتوان

اطمینان داشت که اولاً این حملات خارج از محدوده قدرت حکومتی جمهوری اسلامی به پیش برده می‌شوند. دوماً این حملات با تأیید و حمایت مالی و در اختیار داشتن تکنولوژی برتری انجام گرفته است که خود جمهوری اسلامی آنان را در اختیار ندارد. بنابر این نه مثنی حامی و نه چند صد پیرو این سازمان که دهها سال است حتی اجازه ارتباط گیری با یکدیگر را ندارند، در این موقعیت می‌باشند که دست به چنین عملیاتی بزنند. شاید بتوان طرح "صیانف" اینترنت توسط جمهوری اسلامی را هم در مقابله با افزایش این حملات توسط سازمانهای امنیتی جهانی و در راستای تضعیف حکومت دید که جواب جمهوری اسلامی برای حفظ حکومت و دستگاههای حکومتی خود، بستن کامل اینترنت به کشور است.

بنابراین باید به سئوالات دیگر هم دقت بیشتری کرد: چرا مجاهدین خلق و هرکهای "امام علی" تا به امروز به چنین "افشاگریها و تبلیغات ضد رژیم" دست نزده بودند؟ چرا امروز رهبری مجاهدین پس از غیبت طولانی رجوی با هک برنامه‌های تلویزیونی رژیم، مرگ بر جمهوری "آخوندی" را در مقابل "زنده باد رجوی" قرار میدهد؟ آیا مجاهدین خلق با حمایت حکومتها و سازمانهای امنیتی کشورهای عربی، اسرائیل و شاید حتی آمریکا، خواهان آلترناتیوسازی جدیدی در مقابل آلترناتیو چپ که نیرویش را از اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری و توده‌ای می‌گیرد، برآمده است و برای به بیراه بردن جنبش سرنگونی و حفظ حاکمیت سرمایه، ماموریت جدیدی گرفته است؟ آیا در این توهم اند که سناریوی خمینی با آوردن رجوی دوباره تکرار شود؟ آیا استفاده از این فنآوری قرار است جای ارتش مجاهدین را بگیرد؟ در هر حال تا به مجاهد مربوط است، این کاریکاتور آلترناتیو تراشی است.

سرنگونی جمهوری اسلامی و آلترناتیوسازی

جمهوری اسلامی در سرآشویی سرنگونی است. گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، مال باختگان، و فریادهای مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر جمهوری اسلامی، رژیم اسلامی را مجبور به اجرای شوی انتصابات ۱۴۰۰ کرد که با کنار گذاشتن بال اصلاح طلب خود و انتصاب رئیسی جلا در رژیم به پایان رسید. خامنه‌ای با روی کار آوردن رئیسی و در تلاش در رودروئی مستقیم با مبارزات کارگری و جنبش توده‌ای سرنگون طلب، حاکمیت یک دستی مرکب از "ادمکشان ورزیده" خود را برای حفظ نظام دیکتاتوری روی کار آورد. برای جمهوری اسلامی و شخص خامنه‌ای روشن است که این نظام به سرنگونی خودش نزدیک شده است، بنابراین و به همان نسبت که کنترل جامعه از دست این حکومت خارج شود، دست اپوزیسیون برای فعالیت در جامعه بازتر می‌شود. از طرفی دیگر جدال طبقاتی و تقابل جنبشها در جامعه ایران با نزدیکی فروپاشی حکومت اسلامی قدم به قدم عمیق تر و عمیق ترمی شود. بقول مارکس آنکس که وجود طبقات را انکار میکند، خود شبی در مبارزات طبقاتی بیش نیست. بنابراین حافظان نظام سرمایه هم بخوبی واقفند که جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است و خطر چپ بطور عینی و مادی جدی است. بنابراین نه تنها جمهوری اسلامی که کلیت نظام سرمایه در خطر افتاده است!

اپوزیسیون پروغرب و ملی اسلامی از جمله مجاهدین هم



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

تجمع سراسری معلمان و فرهنگیان

معلمان و فرهنگیان در سراسر کشور در روزهای شنبه سی‌ام بهمن‌ماه و سه‌شنبه سوم اسفند مجدداً دست به تجمعات اعتراضی گسترده‌ای زده‌اند. معلمان شاغل و بازنشسته خواهان «اجرای کامل قانون رتبه‌بندی فرهنگیان شاغل و همچنین قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان»، «رسمی شدن نیروهای استخدام موقت، نیروهای خدمات آموزشی، آموزشیاران نهضت و مربیان پیش دبستانی»، «پرداخت پاداش پایان خدمت فرهنگیان سال ۱۴۰۰»، «بهبود معیشت نیروهای خدماتی»، «اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی»، «آزادی معلمان زندانی»، «آموزش رایگان و با کیفیت برای دانش آموزان»، «پرداخت بیمه دانش آموزان» و همچنین «تشکیل کلاسهای درس با ظرفیت حداکثر ۱۶ دانش آموز» هستند. این تجمع سراسری بر اساس فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برگزار شد و در پایان هر تجمع قطعنامه پیشنهادی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان قرانت و بتصویب رسیده است. در قطعنامه تجمع روز شنبه سی بهمن از جمله آمده است:

... شورای هماهنگی بر عهد و پیمان خود با معلمان استوار است. در پایان رو به حاکمیت می‌گوییم:

۱. اگر قانون مدیریت خدمات کشوری و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان اجرا نگردد.
۲. اگر لایحه رتبه‌بندی مطابق با خواسته اکثریت معلمان در سال ۱۴۰۰ عملیاتی نشود و بودجه آن برای سال آینده مشخص و معین نگردد.
۳. اگر دولت و مجلس به دنبال برنامه‌های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان باشند و مالکیت معلمان به صندوق را نپذیرند.
۴. اگر امنیت شغلی نیروهای غیررسمی، خریدخدماتی و خدمتگزاران تامین نگردد و پاداش بازنشستگان ۱۴۰۰ پرداخت نشود.
۵. اگر همچنان سیاست‌های پولی‌سازی ادامه یابد و دست حاکمیت در جیب والدین دانش‌آموزان باشد و حقوق دانش‌آموزان تامین نگردد.
۶. اگر معلمان زندانی آزاد نشده و معلمان اخراجی بر سر کار خود برنگردند و احکام صادر شده علیه معلمان لغو نگردد و احضار فعالان صنفی و پرونده‌سازی‌ها ادامه داشته باشد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران اعتراضات خود را به اشکال متفاوت و گسترده‌تر ادامه خواهد داد. ما از تمام ارکان قدرت می‌خواهیم بیش از این در مقابل اراده جنبش معلمان نایستند و به مطالبات معلمان بازنشسته و شاغل تن دهند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
شنبه، ۳۰ بهمن ۱۴۰۰

تجمع اعتراضی کارنامه سبزه‌ها و معلمان حق‌التدریس

روز شنبه ۳۰ بهمن و همچنین روز سه شنبه ۳ اسفند نیز همزمان با تجمع سراسری معلمان و فرهنگیان، جمعی از قبول‌شدگان کارنامه سبز آزمون استخدامی آموزش و پرورش در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل وزارت آموزش و پرورش مجدداً دست به تجمع زدند. این تجمعات روز چهارشنبه چهارم بهمن نیز ادامه داشت.

کارگران اعتصابی شرکت موتورن تبریز اخراج شدند

کارگران معترض شرکت موتورن تبریز پس از ۹ روز اعتصاب نامه تسویه حساب و پایان کار دریافت کردند. کارگران شرکت موتورن تبریز در اعتراض به سطح پایین حقوق و خواست یکسان‌سازی دریافتی‌ها و عقد قرارداد مستقیم با شرکت اعتصاب کرده بودند. این کارگران که همگی پیمانکاری هستند بعد از اعتراض به منظور تسویه حساب تا پایان بهمن‌ماه احضار شدند. به کارگران اعلام شده از شنبه اجازه ورود به شرکت را ندارند! تعداد کارگران اخراجی یک ماه مانده به پایان سال ۷۰۰ نفر است.

کارگران معدن طزره برای سومین روز متوالی تجمع کردند

صبح روز دوشنبه دوم اسفندماه کارگران شرکت البرز شرقی شاغل در معدن طزره دامغان در ادامه اعتراضات روزهای قبل در مقابل دفتر مرکزی شرکت البرز شرقی در شاهرود مجدداً تجمع کردند و خواستار تغییر وضعیت شغلی خود شدند. کارگران با سر دادن شعار، صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان رساندند. کارگران می‌گویند: تاکنون هیچ مسئولی پاسخگو نبوده است و ما همچنان بلاتکلیفیم. حدود ۷۰۰ نفر کارگر در این مجموعه کار می‌کنند که نسبت به وضعیت فعلی معترض هستند.

تجمع اعتراضی کارگران خدماتی مترو

روز یکشنبه اول اسفند حدود ۷۰ نفر از کارگران خدماتی خط چهار متروی تهران در اعتراض به عدم پرداخت بیش از دو ماه از حقوق‌هایشان مقابل ساختمان شرکت متروی تهران دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی جمعی از لوکوموتیورانان راه‌آهن مشهد

روز دوشنبه ۲ اسفند ماه ۱۴۰۰، جمعی از لوکوموتیورانان شاغل در راه‌آهن مشهد در مقابل ساختمان این ارگان دولتی در استان خراسان رضوی تجمع اعتراضی برگزار کردند. این شهروندان معترض در تشریح علت برگزاری این تجمع اعتراضی به صدور

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

احکام تبعید اجباری همکاران آنها به ناحیه شرق شهرستان طبرستان اشاره کردند و خواستار لغو صدور احکام شغلی از این دست هستند.

تجمع اعتراضی کادر درمان مقابل وزارت بهداشت

روز دوشنبه دوم اسفندماه جمعی از نیروهای کادر درمان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان وزارت بهداشت دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد تهران

روز شنبه ۳۰ بهمن بخشی از رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد تهران مقابل درب اداره مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران واقع در خیابان هنگام تجمع کردند. تجمع کنندگان نسبت به وضعیت سخت معیشتی و عدم تحقق مطالباتشان اعتراض دارند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری منطقه ۳ خرم آباد

این کارگران که شش ماه حقوق، مزایا و حق بیمه پرداخت نشده دارند مقابل استانداری لرستان دست به اجتماع زدند.

تجمع کارگران شهرداری کوت عبدالله مقابل استانداری خوزستان

روز دوشنبه دوم اسفندماه کارگران فضای سبز شهرداری شهرستان کارون (کوت عبدالله) برای پیگیری مطالبات حقوقی خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران با اشاره به اتمام قرارداد پیمانکار می‌گویند: ۳ ماه حقوق عقب افتاده و ۲ ماه بیمه پرداخت نشده طلب داریم. آن‌ها همچنین خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بوده و پرداخت مطالبات عیدی و سنوات ۱۱ ماه خود را از مسئولین خواستار هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکتی مخابرات گیلان در رشت

نزدیک به ۲۰۰ نفر از نیروهای شرکتی مخابرات گیلان صبح روز دوشنبه دوم اسفند با تجمع در ساختمان مرکزی مخابرات استان، خواستار رسیدگی به مطالبات حقوقی خود شدند. تجمع‌کنندگان اعتراض خود را نسبت به عدم پرداخت حقوق طبق مصوبه قانون کار، عدم اصلاح قراردادهای شغلی، عدم اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت ناقص حق بیمه نیروها ابراز کردند. طبق اظهارات کارکنان معترض، علیرغم کسر مبلغ بیمه از فیش‌های حقوقی این کارکنان، حق بیمه مربوط به چندین ماه این نیروهای معترض به صورت ناقص پرداخت شده و آنها در خصوص بیمه‌های تکمیلی و حق بیمه سازمان تامین اجتماعی نمی‌توانند از خدمات درمانی استفاده کنند و مجبور به پرداخت آزاد هزینه‌های درمان خود و خانواده شده‌اند. روز سه‌شنبه ۳ اسفند ماه نیز، نیروهای شرکتی مخابرات گیلان، با تجمع در مقابل ساختمان استانداری در رشت، خواستار رسیدگی به مطالبات شغلی و معیشتی خود شدند.

تجمع اعتراضی کارکنان رسمی مخابرات آذربایجان شرقی

کارکنان رسمی مخابرات استان آذربایجان شرقی روز سه‌شنبه سوم اسفند در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق، عیدی، پاداش و سایر مطالبات معوق مزدی خود دست از کار کشیدند و در محوطه ساختمان مرکزی مخابرات استان تجمع کردند. صبح روز چهارشنبه چهارم اسفند ماه ۱۴۰۰ نیز برای دومین روز در محوطه ساختمان مخابرات استان در شهر تبریز تجمع کردند.

تجمع اعتراضی آتش‌نشانان مقابل شهرداری تهران

روز سه‌شنبه سوم اسفند جمع زیادی از نیروهای آتش‌نشان تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان شهرداری تهران دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکتهای دولتی مقابل مجلس

روز چهارشنبه چهارم اسفندماه جمعی از کارگران شاغل در نهادها و شرکت‌های تابعه دولت در مخالفت با محاسبه افزایش حقوق سال آینده در بودجه ۱۴۰۱ مقابل مجلس تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع که همزمان با بررسی لایحه بودجه در مجلس انجام گرفت، مشخصاً به بند ۱-۴ تبصره ۱۲ بودجه ۱۴۰۱ در خصوص افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارگران دولتی اشاره دارد.

کارگران مشمول قانون کار شاغل در دستگاه‌های دولتی سابقاً از افزایش حقوق سالانه مصوب در شورای عالی کار برخوردار می‌شدند اما در لایحه بودجه‌ای که دولت برای سال ۱۴۰۱ تدوین کرده، این کارگران نیز مشمول افزایش حقوق ده درصدی خواهند شد و افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار برای آنها لحاظ نخواهد شد. این کارگران خواهان افزایش دستمزد منطبق بر نرخ واقعی سبد معیشت خانوار هستند. اما آنچه که پیوسته دولت حاضر به افزایش دستمزد به میزان نرخ ناچیز شورای عالی کار هم برای این کارگران نیست.

تجمع کارگران شهرداری رشت در اعتراض به کاهش اضافه کاری

کارگران مجموعه شهرداری رشت صبح روز چهارشنبه ۴ بهمن در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. این کارگران با اشاره به اینکه شهردار فعلی آبان ماه پس از روی کار آمدن در اولین اقدام خود اضافه کاری کارگران شهرداری را کاهش داد که موجب نارضایتی آنها شد. آن‌ها همچنین افزایش اضافه‌کاری‌ها و پرداخت کامل مطالبات عیدی و سنوات یکسال گذشته را از مسئولین خواستار هستند.

بازداشتها و زندانیان

دیدار جمعی از فعالان صنفی سراسر کشور با خانواده شعبان محمدی

تعدادی از معلمان مبارز و متحد علیرغم ممانعت‌های نیروهای امنیتی خود را به مریوان رساندند و با خانواده آقای شعبان محمدی اعلام همبستگی کردند و فرماندار را مجبور به شنیدن سخنانشان کردند. آقای شعبان محمدی بعد از ظهر روز پنجشنبه پنجم اسفندماه، با تودیع قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی موقتاً از زندان مریوان آزاد شد.

بازداشت رادا مردانی فعال صنفی معلمان

رادا مردانی معلم و فعال صنفی فرهنگیان روز شنبه ۳۰

است، امین بزرگر بارها از سوی نیروهای امنیتی برای حمایت‌هایش از نوید افکاری تهدید شده بود و چندین بار هم به دوستانش گفته بود نیروهای امنیتی او را تعقیب می‌کنند. امین بزرگر هفت ماه پیش به صورت ناگهانی ناپدید می‌شود و تا امروز خانواده و نزدیکانش نتوانسته‌اند هیچ نشانی از او پیدا کنند. این کشتی‌گیر در آخرین پست اینستاگرامش، ویدئویی از یک ترانه به یاد نوید افکاری منتشر کرده و نوشته بود: «سکوت ما خیانت است.»

بازنشستگان

تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی
روز یکشنبه اول اسفندماه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در شهرهای اراک، رشت، تبریز و بجنورد مقابل اداره کل تأمین اجتماعی استان دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها هستند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان
روز یکشنبه اول اسفندماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان مقابل ساختمان این صندوق در اصفهان تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند.

بهمین ۱۴۰۰ ساعت ۱۱:۳۰ مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان دلفان لرستان بازداشت شد. بعد از پایان تجمع، نیروهای امنیتی با ضرب و شتم که منجر به جراحت و شکستگی کمر و جمجمه رادا مردانی شد، ایشان را بازداشت کردند. خانواده و همکاران پیگیر محل نگهداری شدند ولی بعد از ساعتی، آقای مردانی را در بازپرسی شعبه یک دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان دلفان با سر و صورت خونین و با دستبند و پایبند، یافتند. نیروهای مهاجم دست آقای مردانی را از پشت به صندلی جلوی دفتر شعبه اول بازپرسی بسته و به پاهایش شبیه مجرمین خطرناک پایبند بسته بودند، مامورین لباس شخصی با الفاظ رکیک به ایشان فحاشی می‌کردند و به مادر و پدر این فعال صنفی که سالها قبل از دنیا رفته اند، فحش رکیک می‌دادند. ایشان بعد از سوالات بازپرس نسبت به ضرب و جرح صورت گرفته توسط ضابطین وزارت اطلاعات اعلام شکایت نمود اما بازپرس با اعمال فشار، تنها اعلام داشت این صورتجلسه را امضا کنید. بعد از پایان بازجویی بدون قرار تأمین مناسب و اعلام به آقای مردانی یا خانواده با فشار نیروهای اطلاعات ایشان را به زندان خرم آباد انتقال دادند.

سولماز فیض‌الزهاده از فعالین صنفی کرج بازداشت شد

روز سه‌شنبه سوم اسفند پس از پایان تجمع معلمان در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان البرز، خانم سولماز فیض‌الزهاده، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان این استان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد.

بازداشت علی‌حسن بهامین معلم و فعال صنفی

دکتر بهامین معلم و فعال صنفی ساکن یاسوج که برای شرکت در تجمع معلمان به شیراز رفته بود، پس از پایان تجمع توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. ایشان پس از ۲۴ ساعت بازداشت، آزاد شدند.

زرتشت احمدی راغب بازداشت شد

زرتشت احمدی راغب، فعال مدنی صبح روز دوشنبه ۲ اسفندماه برای چندمین بار توسط نیروهای امنیتی در منزل خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. ماموران در زمان بازداشت اقدام به تفتیش منزل کرده و شماری از وسایل شخصی او را ضبط کرده و با خود بردند.

تفتیش منزل شهناز املی و احضار مریم کریم بیگی به دادسرای اوین

روز دوشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۰، منزل شهناز املی، زندانی سیاسی سابق و مادر مصطفی کریم بیگی از جان‌باختگان اعتراضات سال ۸۸ توسط نیروهای امنیتی تفتیش و تعدادی از لوازم شخصی وی و دخترش مریم کریم بیگی از جمله تلفن‌های همراه، لوازم الکترونیکی و تصاویر مربوط به جان‌باختگان سال ۸۸ ضبط شد. ماموران همچنین از مریم کریم بیگی خواستند که طی مدت ۵ روز در دادسرای اوین حاضر شود.

ناپدید شدن دوست نوید افکاری طی هفت ماه گذشته!

امین بزرگر کشتی‌گیر و از دوستان نزدیک نوید افکاری، از هفت ماه پیش تاکنون مفقود شده است. بر اساس گزارش‌هایی که بیشتر منتشر شده



آموزش رایگان برای همگان!

گرامیباد ۸ مارس روز جهانی زن

حزب حکمتیست به همراه شورای استکھلم و نیروهای چپ و کمونیست برگزار می کنند

سخنرانی، تبادل نظر و شعرو موسیقی و گفتگوی
جمعی به همراه سرو غذا

زمان: شنبه ۵ مارس ساعت
۱۷:۳۰ تا ۲۱:۰۰

مکان: Rågsveds Folkets Hus
Rågsvedstorget 11, 124 65
Bandhagen

تونلبانا خط سبز به سمت فاشتا ستراوند

تلفن برای تماس و اطلاعات بیشتر: ۰۷۶۷۰۶۰۴۶۱

سخنرانان:

صدیقه محمدی

مهرنوش شفیعی

سوسن هجرت



برگزاری مراسم به مناسبت روز جهانی زن در آلمان شهر کلن

فراخوان دهندگان:

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (حوزه کلن)

حزب کمونیست ایران (حوزه کلن)

MARCH 8
INTERNATIONAL WOMEN'S DAY



زمان: شنبه ۵ مارس از ساعت ۱۲ تا ۱۶

مکان: MELCHIORSTR. 3, 50670 KOLN
KONFERENZRAUM

شماره تماس جهت هماهنگی: 01738575271

بدینوسیله از همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب

دعوت به عمل می آید

تا در این روز باشکوه حضور به هم رسانند



آزادی، برابری، رفاه همگانی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

در روز جهانی زن

علیه طالبان ها در تهران و کابل!

جنبش آزادی زن و سنت هشتم مارس، میراث گرانبهای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. از کمون پاریس تا انقلاب اکتبر و انقلاب آلمان، از زنان انقلابی و سوسیالیست در آمریکا و انگلستان تا دانمارک و ایران، ستارگان و پرچمداران برابری زن و مرد بر تارک تاریخ می درخشند. تاریخ را کسانی ساخته اند و می سازند که سلطه طبقات دارا و نابرابری بنیادی و استبداد را نپذیرفتند. اگر در قرن بیست و یکم و در عصر انقلابات تکنولوژیک هنوز تبعیض براساس جنسیت یک مشخصه جوامع کنونی است، تنها بیان این واقعیت ساده است که سرمایه داری آزادی و برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد را نمی پذیرد، چون ستمکشی زن و تحمیل موقعیت فرودست در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن انباشت سرمایه است و نابرابری بنیادی در جامعه سرمایه داری را بازتولید میکند.

در نظامی که تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی، استثمار فرد از فرد و ایجاد شکاف میان آحاد طبقه کارگر رکن اساسی آنست، آزادی زن از انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگ و اخلاقیات متحجر سرمایه داری ممکن نیست. کسب برابری حقوقی و تغییرات در قوانین و پیشرفتهای حاصل شده در بخشی از کشورهای جهان، نه از ترقیخواهی بورژوازی بلکه نتیجه مبارزات قهرمانانه زنان و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!